

الحقيقة كما هي

اللقاء الأول مع الإمام أحمد الحسن (ع)

(متن - ترجمه)



أحمد الحسن

•www.almahdyoon.org•

1.....الحقيقة كما هي (متن - ترجمه).

الحقيقة كما هي

اللقاء الأول مع الإمام أحمد الحسن (ع)

لقاء خاص ومباشر مع قائم آل محمد الامام احمد الحسن ع - 9 شهر رمضان 1436 / 26 يونيو 2015

فيديو حلقة البرنامج "لقاء خاص مع قائم آل محمد ص"

https://www.youtube.com/attribution_link?a=wYPDuw-zKIs&u=%2Fwatch%3Fv%3DC5yZEqQZ00%26feature%3Dshare

الأستاذ علي العالمي / مقدم البرنامج :

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليما

السلام على آل محمد الطيبين

سلام برشيعيان وانصارشان، در هرمكان دوستان عزيزحاضر، سلام عليكم ورحمة الله وبركاته خداوند روزه شما (شب)زنده داری شما وبقية اعمال تان را قبول کند، وپاداش شمارا ثابت کند. امروز جمعه است، 9ماه مبارك رمضان سال1436 هـ، موافق 26 ژوئن 2015م خوش بختيم وشرف ياب شدیم که مھمان این قسمت(ازبرنامه)امشب ما، امام سيداحمدالحسن ع است. برای اطلاع می گویم همچنين همراه من برادر، د.علاء سالم، برای همکاري وطرح سوالات به سيديماني -حفظه الله- می باشد.

يماني آل محمد، سيداحمدالحسن ع خوش آمدی بين انصار، ازشما متشکریم که دعوت مدیریت برنامه " حقيقت همان گونه که می باشد " را علاوه برمشکلاتی که داری- قبول نمودی، خدايه شما کمک کند وشمارا از هریدی محافظت کند. درابتدا دوست داريم به سخنی که افرادی که الان سخن شما را می شنوند گوش دهيم...مولای من بفرمایید.

الإمام أحمد الحسن (ع) :

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين الطاهرين الاثمة والمهديين وسلم تسليما.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

كل عام واتم بخير وأسأل الله أن يعيد عليكم هذه الأيام المباركة وأن يجعلكم من أوفر عبیده عنده من كل خير ينزله ومن كل شر يدفعه بفضلہ ومنه سبحانه وتعالى.

هرسال در خوبی باشید، واز خداوند می خواهم که این روزهای مبارک را(به سودشماو)برای شما برگرداند، واین که شمارا از خوشبخت ترین بندگان نزد خودش قرار بدهد، وهرخوبی راسوی شما روان داردو هریدی را از شما دور کند، بافضل ومنت خود -سبحانه وتعالى-

الحقيقة كما هي (متن - ترجمه).....3

أود أولاً أن أشكركم على هذه الدعوة الكريمة ويسعدني أن أكون معكم اليوم لأستمع لكم ولأجيب أسئلتكم واستفساراتكم.

اولا دوست دارم -به خاطر اين دعوت كريمة- از شما تشكر كنم، و خوشبختم كه امروز باشما هستم، تا به (سخنان) شما گوش دهم و به سوالات شما پاسخ دهم. ان شاء الله

إذا كان الصوت واضح لكم يمكنكم البدء بطرح الأسئلة إن شاء الله. إذن لكم المايك وبخدمتكم إن شاء الله.

اگر صدا برای شما واضح است می توانید سوالات را مطرح کنید، مایک برای شما وان شاء الله در خدمت شما هستم.

د. علاء السالم :

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين الطاهرين الائمة والمهديين وسلم تسليما كثيرا. سلام عليكم ورحمة الله وبركاته، امام وسيد ما، سيد احمد الحسن، وبقية انصار محترم ومهانان، به اين اتاق مبارك (پالتاک) خوش آمدید.

"طَرِبْتُ وما شَوْقاً إلى البِيضِ أَطْرَبُ ولا لِعِبا مَيِّ اذو الشَّيْبِ يَلْعَبُ

ولكن إلى أهلِ الفَضائلِ والنَّهى و خَيْرُ بني حَوْءٍ و الخَيْرُ يُطَلَّبُ

إلى التَّقَرُّ البِيضِ الَّذِينَ بِحُجَّتِهِمْ إلى الله فيمَا نالني أَتَقَرَّبُ

بني هاشمٍ رَهْطُ النَّبِيِّ فَإِنِّي بِهَمِّ وَ لَهُمُ أَرْضى مِراراً و أَغْضَبُ

خفضت لهم مني جناحي مودة إلى كنف عطفاه أهل ومرحبا "

سید ما خوش آمدی، سوال اول این است: شما دعوت خدا را به تنهایی آغاز نمودی، والان به فضل خداوند - تبارک وتعالی- اُمّی شدید، وانصار دعوت مبارک یمانی در همه نقاط زمین پخش شده اند، آیا می توانیم با گوشه ای از آغاز دعوت الهی، آشنا شویم، و سختی هایی که آن مرحله داشت؛ و اگر امکان دارد، بعضی از دلایل و اسبابی که در نهایت باعث شد شما از مومنین در مدت زمانی دور شوید، را بیان نمایید.

سید بفرمایید، مایک برای شما، به همراه صلوات بر محمد و آل محمد.

الإمام أحمد الحسن (ع) :

يا الله. إن شاء الله الصوت واضح.

بالحقیقة یصعب أن أتکلم عن تفاصيل كثيرة لأن الوقت محدود ونحن واجهنا أحداث كثيرة في تلك الفترة. ولهذا سأقتصر على ذكر بعض النقاط المهمة، یعنی فقط بعض النقاط المفصلية :

يا الله ان شاء الله صدا واضح است؟ در حقیقت برای من سخن از تفصیل بسیار، سخت است، چون وقت محدود است، وما، در آن زمان با اتفاقات بسیاری روبه روشدیم، وبه همین خاطر فقط به ذکر نقاط مهم اکتفا می کنم، یعنی فقط بعضی از نقاط اصلی:

بداية اعلان الدعوة كانت في عام 2002. بعدها بدأت ملاحقة نظام صدام لي فاضطرت الابتعاد عن أعينهم لأشهر قليلة. في تلك الفترة لم يزرنني أحد من المؤمنين غير الشيخ ناظم حفظه الله وأذكر أنه عانى كثيرا حتى وصل لي في حينها.

آغاز آشکار نمودن دعوت در سال 2002 بود، بعد از آن نظام صدام آگاه شد (و دنبال من بودند) و مجبور شدم از چشمان آن ها - برای مدت اندکی - دور شوم، در آن مدت فردی از مومنین با من دیدار نمی کرد مگر شیخ ناظم - حفظه الله - و یادم می آید که او سختی زیادی متحمل شد تا در آن زمان با من دیدار کند.

بعد السقوط، بعد سقوط النظام البعثي عام 2003 بفترة بدأت الدعوة المهدوية تنشط من جديد في النجف والبصرة والعمارة والناصرية وبغداد وكربلاء وغيرها من محافظات العراق. ثم جاءني الشيخ ناظم العقيلي ومعه حسين الجبوري، أبو سجاد، يعرفه الأنصار بهذا الاسم، أبو سجاد، جزاهم الله خيرا فذهبت معهم للنجف الأشرف في حينها وبفضل الله كان هناك أحد الأنصار هو الشيخ حبيب المختار حفظه الله، والد الشيخ حازم المختار، لديه بيت في حي النصر في النجف وكان لديه براني أو ديوان معزول عن بيته فأوقفه في حينها لعمل الدعوة. وهكذا اتخذت هذا المكان كبراني أو ديوان أو مكتب .. سموه ما شئتم .. ألتقي به كل الناس، الأنصار وغيرهم وطلبة الحوزة وغيرهم وقد سكنت في هذه الفترة في بيت ملاصق لمسجد السهلة وكنت أتواجد في البراني أو المكتب حتى وقت متأخر ألتقي الناس والمؤمنين كما كنت أزور الحسينيات وأصلي فيها وأقيم صلاة الجمعة وألتقي المؤمنين والسائئين في الحسينيات .

بعد از سقوط، بعد از سقوط نظام بعثی در سال 2003 در یک مدت، دعوت مهدوی - در نجف و بصره و عماره و ناصریه و بغداد و کربلا و بقیه استان های عراق - با نشاط (و انرژی) جدیدی آغاز شد. سپس شیخ ناظم عقیلی نزد من آمد و با ایشان حسین جبوری بود، ابو سجاد، انصار او را با این نام می شناسند، ابو سجاد، خدا به آن ها خیر دهد، در آن زمان به همراه آن ها به نجف اشرف رفتیم، به فضل خداوند در آن جایگی از انصار بود، شیخ حبيب مختار - حفظه الله - پدر شیخ حازم مختار، ایشان در حی النصر نجف خانه ای داشتند، و ایشان اتاق یا مکتبی دور از خانه اش داشت، ایشان آن جا را برای کار دعوت قرار داده بود. و بنده این مکان را به عنوان اتاق یا مکتب یا دفتری قرار دادم... هرچه می خواهید آن را بنامید... (در آن جا) با مردم دیدار می کردم، انصار و غیر آن ها و طلبه های حوزة و غیر آن ها، و در آن مدت، در خانه ای چسبیده به مسجد سهله ساکن بودم، و در مکتب یا دفتر بودم و تا دیروقت با مردم و مومنین ملاقات می کردم، همان طور که حسینیه هارا زیارت می کردم، و در آن نماز می خواندم و نماز جمعه اقامه می کردم، و با مومنین و سوال کنندگان در حسینیه ها ملاقات می کردم.

بعد ذلك بدأت الأمور تتضيق علي نوعا ما بسبب فتاوي اجرامية وغير مسؤولة من بعض الجهات المدعية للدين وللأسف وكذلك تحركات بعض المتنفذين في العراق في حينها. فاضطرت في عام 2006 لتكليف بعض الأنصار ومنهم الشيخ عيدان أبو حسين للبحث عن مكان آمن لأسكن فيه فوجدوا أرضا زراعية في أطراف النجف واشتريتها في حينها وبنيت فيها بيتا لأسكن فيه وعائلي وفعلا انتقلت للسكن فيه في نهاية عام 2006 معتزلا عموم الأنصار وكذلك الناس حيث لم يكن بإمكانها بعدها التواجد في مكتب أو براني باستمرار لألتقي فيه الأنصار وعامة الناس. ولم أكن أتمكن من اقامة صلاة الجمعة في الحسينيات كالسابق وهكذا بدأت في نهاية عام 2006 مرحلة جديدة في الدعوة وهي عدم التقاء عموم المؤمنين وجهما لوجه والكلام معهم مباشرة كالسابق. وإنما اقتصر على نقل أخبار وتوجيهات عن طريق ثقات من المؤمنين حفظهم الله والذين كانوا يعرفون مكان بيتي ويتصلون بي ويزوروني في حينها ومنهم السيد علاء الميالي وحسين الجبوري، أبو سجاد الذي ذكرته سابقا، وأخي محمد حفظه الله والشيخ حيدر الزيايدي، كذلك الشيخ محمد الحريشاوي وغيرهم من الثقات المؤمنين في حينها، اضافة إلى تواصلني مع مقر الحوزة المهدوية والمكتب الذي كان في النجف في ذلك الوقت وتوجيهي لهم باستمرار.

بعد از اين، تنگی امور به صورت خاصی به من آغاز شد، متأسفانه به خاطر فتواهای مجرمانه که مسئولیت آن را برعهده نمی گیرند، (این فتواها) از سوی بعضی از افراد مدعی دین (بود)، و همچنین تحركات بعضی از افرادی که در آن زمان در عراق نفوذ داشتند. در سال 2006 مجبور شدم که بعضی از انصار را -یکی از آن ها شیخ عيدان ابو حسين بود- مکلف به پیدا کردن مکان امنی برای سکونت در آن کم، آن هازمین کشاورزی در اطراف نجف پیدا کردند، و در آن زمان، آن را خریدم، و در آن جا خانه ای ساختم تا من و خانواده ام در آن ساکن شوم، و فعلا در پایان سال 2006 به دور از عموم انصار و همچنین مردم برای سکونت در آن جا منتقل شدم، به این خاطر که بعد از این برایم امکان نداشت تا به صورت مستمر، در مکتب یا دفتر حضور پیدا کنم و با انصار و عموم مردم دیدار کنم. و نمی توانستم مانند قبل، در حسینیه ها نماز جمعه اقامه کنم، و فقط به نقل خبرها و مسائل، از راه مومنین مورد اعتماد -خدا آن ها را حفظ کند- می پرداختم، افرادی که مکان خانه من را می دانستند و با من مرتبط بودند در آن هنگام با من دیدار می کردند، از جمله سید علاء میالی و حسین جبوری، ابو سجاد که او را قبلاً ذکر کردم، و برادر من محمد -حفظه الله- و شیخ حيدر زيادي، همچنین شیخ محمد حريشاوي و بقیه مومنین مورد اعتماد آن زمان، به علاوه اینکه -در آن هنگام- با محل حوزة مهدويه و مکتب نجف ارتباط داشتم، و آن ها را دائماً راهنمایی می کردم.

استمر وجودي في هذا البيت حتى اضطررت لمغادرته في بداية عام 2007، حيث تم الهجوم على البيت من قبل قوات عسكرية كبيرة وبعد ساعات فقط من مغادرتي للبيت، مغادرتي أنا وعائلي، أنا وزوجتي وأطفالي. وطبعاً دون وجود مسوغ قانوني أو منطقي لهذا الهجوم وإنما فقط تصرف عصابات متنفذة في حينها لا أكثر. وللأسف قاموا باعتقال أحد جيراني وعذوبه بصورة بشعة في حين أن جيراني حتى لا يعلمون من أكون، يعني كنت بينهم ولكن لا يعلمون من أكون.

درآن خانه بودم تا اینکه درآغاز سال 2007 مجبور به بیرون رفتن از آن خانه شدم، ونیروهای نظامی قدرتمند، به آن خانه حمله کردند، این حمله فقط چندساعت بعداز بیرون رفتن من از خانه بود، بیرون رفتن من و خانواده ام، من وهمسرم وفرزندانم. طبعاً این حمله دلیل قانونی یا منطقی نداشت، و فقط درآثر تصرف نیروهای ذی نفوذ درآن زمان، نه بیشتر، و متأسفانه یکی از همسایه های من را دستگیر کردند و او را به صورت بدی شکنجه کردند، درحالی که همسایه های من نمی دانستند که من چه کسی هستم، یعنی من در میان آن ها بودم، ولی آن ها نمی دانستند من چه کسی هستم.

وهكذا استمر وضعي غير آمن ولا يناسب التواصل مع عامة المؤمنين والناس وخصوصاً بعد أحداث عام 2008 المشهورة، واستمر بالاقتراب على التواصل عن طريق بعض الثقات وعن طريق مواقع الدعوة في الأنترنت ومقر الحوزة والمكتب الذي كان يفتح كلما سنحت الفرصة لذلك، وهكذا استمر الحال على ما هو عليه منذ نهاية عام 2006 وحتى نهاية عام 2012 وبعد أن تمت ست سنوات وكما أراد الله سبحانه وتعالى فرج الله بفضله ومنه ووفر، وفر لي بفضل بعض المؤمنين وجهودهم المباركة امكانية الانتقال إلى مكان آمن نوعاً ما ...

وهكذا بدأت مرحلة جديدة من الدعوة ..

واین چنین وضعیت من ادامه داشت وامنیت نداشتم، و وضعیت من برای دیدار با عموم مومنین ومردم متناسب نبود، مخصوصاً بعداز اتفاقات مشهور سال 2008، و ادامه داشت فقط اکتفا به ارتباط ازراه بعضی از افراد مورد اعتماد نمودم، و از راه سایت های اینترنتی دعوت، ومحل حوزه، ومکتبی (دفتر) که بازگشایی شده بود، البته هر وقت فرصت برای این کار اجازه می داد، واین وضعیت ادامه داشت از اتفاقات پایان سال 2006 تا پایان سال 2012، بعداز اینکه 6 سال به پایان رسید - همان طور که خداوند سبحان ومتعال خواست- خداوند با فضل ومنت خود (درغیبت)گشایش نمود، وخداوند با فضل و تلاش مبارک بعضی از مومنین، امکان انتقال من به مکان امنی را فراهم نمود...

واین چنین بود که مرحله جدیدی از دعوت آغازشد.....

وتمكنت من فتح صفحة التواصل الاجتماعي في موقع الفيسبوك لأستطيع من جديد أن أتواجد بينكم في هذا الديوان الاجتماعي وأتحدث من خلال هذه الصفحة مع عامة المؤمنين والناس. وهكذا عدنا بينكم نسمعكم ونقرأ ما تكتبون وتتكم معكم ونحدثكم من خلال صفحة التواصل الاجتماعي المباركة والحمد لله رب العالمين.

وتوانستم صفحة ارتباط اجتماعي در فیس بوک، بازگشایی کنم، تا (در مرحله) جدیدی بتوانم در این مکان (دفتر) اجتماعي بين شما حاضر شوم، و از خلال این صفحه با عموم مومنین و مردم سخن بگویم، و این چنین شد که ما بین شما بازگشتیم، و (سخنان) شمارا می شنویم، و مطالبی که می نویسید می خوانیم، و از خلال صفحه مبارک ارتباط اجتماعي باشما سخن می گویم، والحمد لله رب العالمین.

واليوم إن شاء الله أيضا فتحت لنا صفحة جديدة وهي أن الأمور سارت باتجاه تشكيل سرايا القائم للدفاع عن المقدسات والأضرحة الطاهرة والعرض والأرض وأصبحت هناك ربما حاجة للتواصل الصوتي معكم والتواجد بينكم إن شاء الله وسبحان الله وجدت على صفحتي أن الأستاذ علي العاملي حفظه الله قام بدعوتي لبرنامجك المبارك ... وإن شاء الله في المستقبل أيضا أتواجد معكم عند الحاجة والله الموفق والمسدد.

أرجو أن لا أكون قد أطلت عليكم. لكم المايك

وهمچنين ان شاء الله امروز صفحه جدیدی برای ما باز گشایی شد، اینکه کارها به سمت تشکیل "سرایا القائم" کشیده شده است، برای دفاع از مقدسات و ضریح های پاک و آبرو و سرزمین، و الان نیازه ارتباط صوتی باشما بود، و اینکه ما بین شما حاضر شویم، و ان شاء الله و سبحان الله در صفحه خود دیدم که استاد علی عاملی - حفظه الله - مراه برنامه مبارکتان دعوت نموده است... و ان شاء الله در آینده نزدیک - موقع نیاز - ما بین شما حاضر می شوم، و خداوند توفیق دهنده و تایید کننده است.

امیدوارم که مطالب را طولانی نکرده باشم، مایک برای شما.

الأستاذ علي العاملي :

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

سید و مولای ما وتاج سرِما، امام احمدالحسن یمانی آل محمد ص خوش آمدید، مولای من، خیلی مهم است که تعلیق سیداحمدالحسن ع در مورد افرادی که مردم را فریب می دهند، بشنویم، وافرادی که نام هایی در نسب امام می آورند، مانند "قاطع" درحالی که این حقیقت ندارد، وشایعه ای پیش نیست، این از یک جهت، واز جهت دیگر افرادی هستند که (مطالبی به)شخصیت سیداحمدالحسن نسبت می دهند، وازنام وکنیه او سوء استفاده می کند، مثلاً برای سخن گفتن به نام او یا (افرادی هستند که)مدعی نمایند بودن ازطرف او هستند، یا(مدعی هستند که) با او مرتبط هستند، ومتاسفانه بعضی از آن ها مدعی ایمان به او هستند، مولای من، توضیح شمانسبت به این مسئله چیست؟

الإمام أحمد الحسن (ع) :

يا الله. إن شاء الله يكون الصوت واضح لكم. الحمد لله. حقيقة هذه الأمور يعني ..لا أعرف ماذا أقول عنها!

أحمد الحسن شخص معروف ومُشخص، لدي اسم محدد في السجلات الرسمية في العراق حيث ولدت وهو أحمد اسماعيل صالح. ولدي سجل مدني في العراق ولدي هوية أحوال مدنية ولدي شهادة جنسية عراقية ولدي جواز سفر عراقي ولدي شهادة من كلية الهندسة في جامعة البصرة ... وكلها مثبت فيها صورتي ومعلومات فارقة عن شخصيتي!

احمدالحسن شخص معروف ومُشخص است، من در شناسنامه های رسمی عراق -که درآن جا متولدشدم- نام مشخصی دارم، ومن احمداسماعيل صالح هستم، ومن شناسنامه شهری درعراق دارم، ومن هویتِ ثبتِ احوال شهری درعراق دارم، ومن گواهی ملیت عراقی دارم. ومن جوازسفرهای داخلی عراق دارم. وگواهی ازدانشکده مهندسی دانشگاه بصره دارم...ودرتمام این ها عکس ومسائل شخصی من ثبت شده است.

فإضافة أسماء غير صحيحة إلى اسمي من قبل جهة معينة أو شخص ما المفروض أنها كافية لإثبات أنه كذاب وغير موثوق. وحقيقة أنا أستغرب أيضا من الذين .. يعني بعض هؤلاء الذي يفترون هذه الأسماء هناك من يتبعهم .. أنا أستغرب ... أو يصدقهم، لايزال يصدقهم ويتبعهم! يعني ألا تكفي هذه الكذبة؟! لا أدري يعني .. على كل حال!

به علاوه اینکه از سوی افراد مشخص یا فرد مشخصی نام های اشتباهی به نام من اضافه می کنند، این مطالبی که بیان شدبرای اثبات دروغ بودن ومورداعتمادنبودن آن(مطلب) کافی است. درحقیقت من مطلب دوران ذهنی می دانم که افرادی این نام هارا به دروغ می گویندولی افرادی وجوددارندکه از آن ها دنباله روی می کنند...من این

مطلب را دور از ذهن می دانم... افرادی که آن ها را تصدیق می کنند، همیشه آن ها را تصدیق می کنند واز آن هادنباله روی می کنند، یعنی آیا برای دروغ بودن این مطالب کافی نیست؟؟ نمی دانم... در هر حال.

أما بالنسبة لمن يستغلون اسمي ويدعون اللقاء بي من غير المنافذ المعروفة التي أعلنتها واعتمدتها منذ بداية الدعوة وإلى اليوم فهؤلاء كذابون وكذتهم مفضوح وبين لكل انسان عاقل ومتمزن ... ولا أعتقد أحتاج أن أقول أكثر من هذا بخصوص هؤلاء!

امادرمورد افرادی که از نام من سوء استفاده می کنند ومدعی دیدار بامن هستند، به واسطه غیر از راه های معروفی که من آن را آشکار نمودم، واز آغاز دعوت تا الان، مورد اعتماد من بود، این افراد دروغ گو هستند و دروغ آن ها آبرویشان را برده است، و دروغشان برای هر انسان عاقل و هوشیار روشن است... و فکر کنم در مورد این افراد، بیشتر از این نیاز نباشد صحبت کنم.

جزاكم الله خيرا .. ليس لدي شيء آخر بهذا الخصوص .. لكم المايك إن شاء الله

خدایه شما پاداش خوبی دهد... در مورد این مسئله، مطلب دیگری ندارم... ان شاء الله مایک برای شما.

د. علاء السالم :

بسم الله الرحمن الرحيم. السلام عليكم ورحمة الله تعالى وبركاته، سيدما خدابه شاپاداش خوبی دهد، درحقیقت، هرچند بعضی از سوالات بردل های ماسنگین است ولی ان شاءالله تعالی می خواهیم این دیدار، به حق محدودال محمدص نتایج وفایده هایش بیشتر باشد، سیداحمدالحسن ع همچنین یکی از سوالاتی که ماو غیرمانیازداریم، توضیح در مورد سوالاتی که سیداحمدالحسن ع به آن ها اعتماد دارد، وسایلی برای نشر علوم و معارف و پاسخ هایی که برای همه مردم از آغاز دعوت مبارک بیان نموده است، و همچنین وسایلی که در بردارنده کتاب ها و بیانات و ارشادات ایشان می باشد، به گونه ای که می توانیم آن ها را وسایل رسمی - که مُمَثِّل (و نماینده) دعوت الهی است - بدانیم، این سوال (من) است... آقای ما بفرمایید.

الإمام أحمد الحسن (ع) :

يا الله. إن شاء الله يكون الصوت واضح لكم. يا الله. ان شاء الله صدا برای شما واضح است؟

وسائل نشر العلوم عديدة. في البداية كانت لدينا وسيلة وحيدة طبعا لا غير وهي الديوان أو المكتب، المكتب الذي في النجف الذي تحدثت عنه سابقا، حيث كنت أجلس فيه بنفسي وكان كما بينت في حي النصر - ذكرته لكم أنه في حي النصر - وكنت من خلاله أوجه بعض المؤمنين كالسيد علاء الميالي، أعتذر من .. ربما لا أذكرهم .. يعني لأن عددهم ربما .. سيد علاء الميالي والشيخ حازم المختار وحبیب السعيد والشيخ ناظم العقيلي والشيخ حيدر المشتت قبل ادعائه الباطل ..

وسایلی منتشر کردن علوم، زیاد است. طبعا در آغاز وسیله ی تنهایی برای ما بود، دفتر یا مكتب، مكتب نجف که قبلاً در مورد آن سخن گفتم، مکانی که خودم در آن جا می نشستم و در "حی النصر" بود، واز خلال آن بعضی از مومنین را راهنمایی می کردم، مثل سیدعلاء میالی، معذرت می خواهم از اینکه نام (همه) آن ها را ذکر نکردم، یعنی شاید تعداد آن ها (بیشتر از این است)... سیدعلاء میالی و شیخ حازم مختار و حبیب سعیدی و شیخ ناظم عقیلی و شیخ حیدر مشتت قبل از اینکه ادعای باطل کند - ...

كل هؤلاء كنت أوجههم لطباعة بعض المنشورات والكتب في المطابع الموجودة في النجف وتوزيعها. بعد ذلك كلفت أحد المؤمنين وهو المهندس أحمد مهنا، ربما يكون حاضر اليوم في الغرفة .. يكون حاضر معكم، كلفته بإنشاء موقع في شبكة الانترنت لنشر بيانات وكتب الدعوة وللتواصل مع الناس عن طريق الإنترنت وبالفعل قام هو بذلك وبالتعاون مع الأستاذ ضياء الزبيدي فرح الله عنه.

همه این هارابه منتشر کردن بعضی از منشورات و کتاب ها -در چاپ خانه های موجود نجف- و توزیع آن راهنمایی کرده بودم، بعد از این، یکی از مومنین -مهندس احمد هاء- را مکلف نمودم، شاید امروز در این اتاق (گفت و گوی پالتاک) حاضر باشد... به همراه شما حاضر باشد، ایشان را مکلف به افتتاح سایتی در شبکه اینترنت نمودم، برای منتشر نمودن بیانات و کتاب های دعوت و ارتباط با مردم از راه اینترنت، ایشان با همکاری استاد ضیاء زیدی -خدا در کارش گشایش حاصل کند- این کار را انجام داد.

وأعتقد أن المهندس أحمد هاء حفظه الله له فضل كبير وجزاه الله خيرا حيث ان كل وسائل التواصل عن طريق الانترنت انما هي ثمرة عمله المبارك هذا. بعد ذلك تطورت المواقع بمجهود المؤمنين وأصبحت على ما هي عليه اليوم وبفضل الله سبحانه وتعالى طبعاً. أيضاً تم إضافة صفحة التواصل الاجتماعي كما تعلمون كي أكون بينكم جميعاً فهي أصبحت بديلاً وان كان مؤقتاً عن البراني أو الديوان أو المكتب الذي كنت اجلس فيه بنفسني. يعني هذا هو البديل المتاح الآن لأكون بينكم وإن شاء الله يعود الأمر كما كان في السابق بفضل الله وبفضل جهود وجماد المؤمنين حفظهم الله.

فكرتكم مهندس احمد هاء -حفظه الله- فضيلت بزرگی دارد، و خدا به او پاداش خوبی دهد، چون همه وسایل ارتباط از راه اینترنت، نتیجه کار مبارک ایشان است.

بعد از این، سایت ها -با تلاش مومنین- کامل شد، و به صورتی که امروز دارد، رسیده است، و طبعاً (این مطالب) به فضل خدای سبحان و متعال است. همچنین همان طور که می دانید- صفحه ارتباط اجتماعی تشکیل شد تا مابین همه شما باشم، و این صفحه (فیس بوک) جایگزین (حضور من) است، هر چند موقتی از مکتب یا دفتر یا اتاقی است که خودم به شخصه در آن می نشستم، یعنی (می توان گفت) این (صفحه فیس بوک) الان راه جایگزینی است که قابل استفاده است، تا بتوانم بین شما باشم، و به فضل خدا و به فضل تلاش و کوشش مومنین -حفظهم الله- ان شاء الله کار (ها) همان طور که در سابق بود، می شود.

أيضاً كانت هناك وسيلة تواصل اعتمدها منذ بداية الدعوة وهي أن هناك بعض المؤمنين إضافة إلى المكتب والديوان ينقلون توجيهاتي، ثم بعد ابتعادي استمر هذا الأمر على ما هو عليه، كما بينت في السابق. هذا باختصار ..

همچنین اینجا وسیله ای برای ارتباط است، (وسیله ای که) از آغاز دعوت به آن اعتماد داشتیم، اینکه علاوه بر مکتب و دفتر، مومنین بودند که راهنمایی های مرا منتقل می کردند، بعد از دور شدن من، این مطلب به حالتی که امروز دارد، رسیده است و استمرار داشته است، همان طور که قبلاً بیان کردم، این مطالب خلاصه بود...
وإذا لديكم شيء آخر بخدمتكم. لكم المايك اگر چیز دیگری نزد شما است، در خدمتم، مایک برای شما.

الأستاذ علي العالمي :

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً. پروردگار من، از عمر من بکبر و به امام من، احمد الحسن ع عطا کن. نظر شما در مورد وضعیت فعلی منطقه چیست؟ و نقش قائم آل محمد - امام احمد الحسن ع - در مورد اتفاقات منطقه چیست؟

همچنین دوست داریم نامه شما خطاب به مردم و حکومت ها را بشنویم، مخصوصاً حکومت عراق. مولای من بفرمایید به همراه صلوات بر محمد و آل محمد.

الإمام أحمد الحسن (ع) :

يا الله. إن شاء الله يكون الصوت واضح لكم. يا الله، ان شاء الله صدا برای شما واضح است؟

أولاً حبيبي علي العالمي حفظكم الله وأطال الله في عمرك - الوضع في منطقة الشرق الأوسط خطير للغاية، فهناك حرب طائفية قائمة على قدم وساق منذ بداية الثورات العربية وفتح الباب للحركة السلفية الوهابية والتي لا تعرف غير لغة القتل والدم والذبح وها أتم ترون الحركات السلفية في العراق وسوريا وليبيا كمثل .. لقد قتلوا وبأشع الطرق المسيحي واليزيدي والشيعي والسني الذي لا يخضع لمنهجهم في عبادة هبل سماوي مجسم، يعني حتى السني الذي لا يخضع لمنهجهم قتلوه وفعلوا به ما فعلوا، وحتى الأطفال لم يسلموا من الذبح، وقاموا بسبي النساء والاعتداء على أعراض الناس ... ترون ما يفعلون كل يوم! بل حتى الآثار والتراث الإنساني دمره .. وبالتالي فهناك حرب طائفية قائمة من قبل الدين الوهابي السلفي التكفيري على كل من خلفهم وعلى كل شيء لا يناسب اعتقاداتهم الفاسدة وخصوصاً شيعة أهل البيت ومراقد آل محمد صلوات الله عليهم!

اولاً: دوست من علی عاملی، خدا شما را حفظ کند و خدا عمر شما را طولانی کند. وضعیت منطقه خاورمیانه خیلی خطرناک است، و این جا -از آغاز انقلاب های عربی- جنگ قبیله ای برقرار بوده است و ادامه دارد، و باب حرکت سلفی و هابی را باز نموده است، افرادی که غیر از زبان کشتن و خون و ذبح نمودن نمی دانند، به عنوان مثال، شاهرکت های سلفی را در عراق و سوریه و لیبی می بینید... به بدترین شیوه، مسیحی و یزیدی و شیعی و سنی را می کشند، افرادی که روش آن ها برای پرستش بت آسمانی جسمانی را قبول نمی کنند (را می کشند)، یعنی حتی سنی که روش آن ها را قبول نمی کند، می کشند و کارهایی که با او انجام دادند (و دیدید) با او انجام می دهند، حتی کودکان از ذبح شدن در آمان نیستند، و زنان را به اسارت می گیرند و آبروی مردم را می برند... هر روز کارهایی که انجام می دهند را می بینید، حتی آثار (باستانی) و میراث انسانی را از بین می برند... در نتیجه این جا جنگ قبیله

ای، درحال اتفاق است، از سوی دین وهابی سلفی تکفیری علیه افرادی که با آن ها مخالفت می کنند، وعلیه هر مسئله ای که با اعتقاد فاسدان ها تناسب ندارد، مخصوصاً شیعه اهل بیت و مرقد آل محمد -صلوات الله علیهم- .

وهذا واقع لا يستطيع أحد أن يغلط عينه ويقول أنه غير موجود .. اليوم سمعتم بالتفجير الوهابي السلفي الاجرامي في الكويت في أحد مساجد الشيعة !

این مطلبی است که واقع شده است و فردی نمی تواند چشم خود را ببندد و بگوید: این اتفاقات وجود ندارد... امروز (خبر) انفجار توسط وهابی(های) سلفی مجرم را در کویت و یکی از مساجد شیعی شنیدید.

تقييمي لحجم الخطر الذي نواجهه الآن من الوجود السلفي الوهابي التكفيري في منطقة الشرق الأوسط بأنه كبير جدا ولا بد من جمع كل قوة وإمكانية متاحة لسحقه تماما وبسرعة كبيرة، وإلا فالنتائج المترتبة على تأخير سحقه وإنهاء هذا الوجود سيئة للغاية .. ستكبدنا جميعا خسائر فادحة، ليس فقط خسائر بالأنفس - بحسب اعتقادي ليست فقط خسائر بالأنفس أو بالأموال والممتلكات - بل يمكن أن يصل الأمر إلى المقدسات والأعراض لا سمح الله !

تحلیل بنده در مورد خطری که الان از وجود سلفی(های) وهابی تکفیری -در منطقه خاورمیانه- با آن، مواجه هستیم، این است که بسیار بزرگ است، وحتماً باید تمام نیرو و امکانات در دسترس را -برای از بین بردن آن به کلی- به سرعت جمع آوری کنیم، و الا نتایجی که در اثر تاخیر از بین بردن و به نهایت رساندن این وجود مُترتب می شود، بسیار بد است...به همه ما خسارت های بدی می رساند، نه تنها خسارت هایی به خودِما، برحسب اعتقاد من، نه تنها خسارت به خودِما یا به اموال و دارایی ها، بلکه ممکن است کار به مقدسات و آبروها بکشد، خدا آن روز را نیلورد.

ونحن نلاحظ الآن بعد مرور سنة على احتلال الموصل زادت امكاناتهم عدة وعددا وتم احتلال الرمادي، أضف أن في الموصل جامعة كبيرة ومختبرات وخبراء ومعامل وفي المناطق كذلك التي يحتلونها في سوريا، وأعتقد أن الحصول على مواد لصناعة ما يسمى بالقنبلة النووية القدرة أو القنبلة القذرة أو سلاح راديولوجي أو اشعاعي ليست مسألة مستحيلة ! خصوصا اذا توفرت الأموال كما هو واقع داعش اليوم. وبالتالي فمن الممكن أن تتحاجم مدننا الأخرى مما. أيضا سيطرة هذه التنظيمات التكفيرية على مدن في سوريا مثل ادلب مؤشر واضح على حجم الخطر. ولهذا أقول أن الوقت مهم وهزيمتهم بسرعة مهمة لأن وجودنا ووجود مقدساتنا مهدد بخطر حقيقي وواقعي.

ان الان ما بعداز گذشتن یک سال از تصرف موصل می بینیم، امکانات آن ها از جهت افراد و تعداد، زیاد شده است، و تصرف رمادی به پایان رسیده است، به علاوه این که در موصل، دانشگاه بزرگی است، به همراه آزمایشگاه ها و متخصصین و کارگرانی(در دانشگاه)، همچنین در مناطقی از سوریه که تصرف کردند، و فکر کنم

دست یابی به مواد اولیه برای ساختن چیزی که نامش بمب هسته ای میکروبی یا بمب میکروبی یا سلاح رادیو اکتیو یا تشعشعات اتمی است، مسئله محالی نیست، مخصوصاً این که آن ها اموالی را در اختیار دارند، همان طور که حال امروز داعش این گونه است، در نتیجه امکان حمله به شهرهای دیگرما وجود دارد، همچنین تسلط این مجموعه های تکفیری بر شهرهای سوریه -مثل ادلب- اشاره ای روشن بر حجم خطر دارد، به همین خاطر می گویم: این زمان مهم است و به سرعت، شکست دادن آن ها مهم است، به این خاطر که وجود ما و مقدسات ما را خطری حقیقی و واقعی تهدید می کند.

أنا لا أريد أن أربح أحدا يعني أربح أحد هذا الكلام .. لا أبدا! ولكن هي هذه حقيقة يعني .. هذه حقيقة ماثلة أمامنا وبتقديري دخولهم للرمادي هو أخطر حدث نواجهه اليوم .. وكل يوم يمر على وجودهم في الرمادي يزيد من احتمالية تعرضنا وتعرض مدنا وأهلنا ومقدساتنا لخطر كبير!

بنده نمی خواهم فردی را بترسانم، یعنی (نمی خواهم) فردی را با این کلام به رعب (و وحشت) بیندازم... اصلاً، ولی این حقیقتی است... این حقیقتی است که جلوی ما وجود دارد، به نظر من، ورود آن ها به رمادی، خطرناک ترین اتفاقی است که امروز با آن مواجه هستیم... و هر روز از وجود آن ها که در رمادی می گذرد، احتمال تعرض (و رسیدن) خطر به ما و تعرض به شهرهای ما و خانواده ما و مقدسات ما بیشتر می شود.

هذا هو تقييمي الاجمالي للوضع على الأرض الآن ، أما دوري أو ما يمكن أن أقوم به : فأنا منذ سنوات طويلة دعوت إلى تشكيل قوة لمقاتلة هؤلاء وجهادهم ودفع خطرهم قبل أن يستفحل ، وهناك بيانات صدرت مني بهذا الخصوص.

این تحلیل اجمالی بنده، از وضعیت فعلی سرزمین (ها) است، اما نقش بنده یا نقشی که بنده می توانم برعهده بگیرم: بنده از سال هاست که (آن ها را) دعوت به تشکیل نیروهای جنگی نمودم، برای جنگ با آن ها و دفع نمودن خطر آن ها قبل از این که (این گونه) دامن گیر شود، و بیاناتی در این مورد، از بنده صادر شده است.

واليوم نحن بدءنا بتشكيل سرايا القائم للدفاع عن المقدسات والأرض والعرض وندعو الناس وخصوصا شيعة أهل البيت للالتفاف حولها ودعمها والانتساب لها. فهذا هو جيش إمامكم فانصروه ولا تخذلوه وهدفنا الأولي هو دفع هؤلاء المجرمين إلى أبعد مسافة ممكنة عن مقدساتنا وأهلنا وأرضنا وإخراجهم من العراق

امروز ما آغاز به تشکیل "سرایا القائم" نمودیم، برای دفاع از مقدسات و سرزمین و آبرو، و همه مردم -مخصوصاً شیعه اهل بیت ع- را به جمع شدن دور آن و کمک نمودن آن و ملحق شدن به آن دعوت می کنیم، این لشکر امام شهاست، آن را یاری دهید، و آن را تنها نگذارید، و هدف اول ما، عقب راندن این مجرم ها به دور ترین مسافتی که ممکن است، می باشد، (دور راندن) از مقدسات ما و خانواده ما و سرزمین ما و اِخراج آن ها از عراق.

أما بخصوص رسالتي .. الحكومات .. لا أعتقد أن الحكومات تسمع يعني هم غير قادرين عاجزين عن السمع يعني .. عاجزين عن السمع ! رسالتي للحكومة العراقية : أن يوفروا لنا معسكرات تدريب وأن يفتحوا لنا المجال لمقاتلة هؤلاء الغزاة المحتلين الذين احتلوا أرضنا ويريدون تدينس مقدساتنا وقد قاموا بتدينس هذه المقدسات بالفعل لما هدموا ضريح العسكريين في سامراء سابقا.

اما در مورد نامه من به حکومت ها: فکرکنم حکومت ها بشنوند، یعنی آن ها نمی توانند واز گوش دادن عاجز هستند.... از گوش دادن عاجز هستند، نامه من به حکومت عراق این است که: برای ما پادگان هایی برای آموزش فراهم کنند، و فرصت جنگ با این جنگ جویانی که سرزمین ماتصرف کردند، فراهم کنند، و می خواهند مقدسات ما را آلوده کنند، و مقدسات ما را بالفعل، آلوده کردند، وقتی قبلاً ضريح عسكريين را در سامراء منهدم کردند.

فان لم تستجب الحكومة العراقية لهذا الطلب، فأنا أقول لسرايا القائم : كونوا مستعدين بالعدة والاستعداد البدني والفني والنفسي للدفاع والقتال في حال انهار الجمع الذي يواجه داعش كما انهار قبل فترة وسلم الرمادي !

فدئكم، مقدساتكم وأعراضكم في خطر حقيقي وواقعي !

اگر حکومت عراقی به این درخواست ما پاسخ(مثبت) ندهد، بنده خطاب به "سرایا القائم" می گویم: تعداد خود را آماده کنید، و از جهت بدنی و قوی و نفسی آماده شوید، برای دفاع و جنگیدن، به این خاطر که جمعیتی که با داعش مواجه شده است، شکست خورده است، همان گونه که مدتی پیش، شکست خوردند و رمادی را تسلیم(آن ها) کردند.

شهرهای شما، مقدسات شما و آبرویتان در خطر حقیقی و واقعی است.

أيضا بمناسبة تداول قانون العفو العام في العراق هذه الأيام فنحن نطالب الحكومة العراقية بالإفراج عن أنصار الإمام المهدي المعتقلين والمحكومين بالإعدام .. خصوصا المحكومين بالإعدام .. أنصار الإمام المهدي ليسوا اراهييين ولا مجرمين ومن غير المعقول والمنطقي أن يحكم عشرات الأشخاص بالإعدام بسبب المواجهات التي حدثت في عام 2008 !

همچنین به مناسبت آغاز قانون عفو عمومی در عراق، در این روزها، ما از حکومت عراق می خواهیم که انصار امام مهدی که در زندان هستند و محکوم به اعدام هستند را آزاد کنند، مخصوصاً افرادی که محکوم به اعدام

هستند، انصار امام مهدی اِرهایی نیستند و مجرم نیستند، و معقول و منطقی نیست که 10 ها شخص را محکوم به اعدام کنند، به خاطر اتفاقاتی که در سال 2008 افتاده است.

في حين أن الحكم بالإعدام وفي كل الأعراف والقوانين يحتاج إلى اثبات لا لبس فيه. لا بد من اثبات لا لبس فيه لحدوث الجريمة الموجبة للحكم بالإعدام. فكيف شخص القاضي الذي حكم على عشرات الأشخاص في جلسة ؟ في جلسة بالإعدام .. أن هؤلاء قاموا بالقتل ؟ كيف قاضي واحد ؟ وحتى لو كانوا عدة قضاة ! في جلسة واحدة قام بالحكم على عدة أشخاص بالإعدام ! كيف شخص أن هؤلاء قاموا بالقتل مع سبق الإصرار مع أن ما حدث هو مواجهات مسلحة عشوائية !

يعني هذا يذكرنا بمحكمة الثورة في عهد صدام، وإلا بريك ما الفرق؟!!

درحالی که در تمام عُرف ها وقوانین، حکم نمودن به اعدام، نیاز به اثبات نمودنی دارد که هیچ پوشش ولبسی در آن نباشد (یعنی 100 درصد اثبات شود که شخص، محکوم به اعدام است) چگونه شخص قاضی می تواند برای 10 ها فرد، در یک جلسه حکم به اعدام کند؟ در یک جلسه حکم به اعدام... اینکه این افراد قصد قتل داشتند؟ چگونه یک قاضی (می تواند چنین کاری کند)؟ حتی اگر چند قاضی باشند، در یک جلسه حکم به اعدام، چند شخص کنند، چگونه تشخیص دادند که این افراد، قصد قتل داشتند، درحالی که اصرار از طرف مقابل بوده است، به علاوه اینکه اتفاقات (سال 2008) حمله های مسلحانه غیره فمند بود.

یعنی این مطالب، مارابه یادادگاه (های) انقلاب زمان صدام می اندازد، اگر این گونه نیست، پس فرق (این 2) چیست؟

ثم إن أحداث 2008 كانت بسبب اعتداءات متكررة على أنصار الإمام من قبل بعض المتنفذين في حينها. ويمكن لأي شخص في الحكومة الحالية، حكومة العراق الحالية، إذا كانوا فعلا يريدون احقاق الحق، أن يجري تحقيقا وبحثا منصفاً ليري كم الاعتداءات والأذى الذي مورس ضدنا في ذلك الوقت من قبل بعض المتنفذين، ومنها كمثال :

اتفاقات (سال) 2008 به خاطر (ظلم ها) و دستگیری های مکرر علیه انصار امام -از سوی بعضی از افراد صاحب نفوذ در آن زمان- بود، و برای هرفردی که در حکومت فعلی عراق است، حکومت فعلی عراق، اگر می خواهند حق را مُحقق کنند، اینکه تحقیق و جست و جویی منصفانه ترتیب دهند تا مقدار ظلم ها و اذیت هایی که در آن زمان -از سوی بعضی از افراد صاحب نفوذ- به مارسیده است را مشاهده کنند، به عنوان مثال:

الاعتداء على الحوزة المهدوية والمكتب الرسمي في النجف في بداية عام 2007 وإغلاقه واعتقال سيد حسن الحماي وطلبة الحوزة المهدوية دون أي عذر قانوني ثم أفرجوا عنهم بعد فترة ولم يعيدوا لهم البناية، بناية الحوزة لم يعيدوها، بناية الحوزة والمكتب، بل استولوا عليها دون أي وجه قانوني ولم يسلموها إلا أن انتهى عقد الايجار.

تجاوزته حوزة مهدويه ومكتب رسمي نجف در آغاز سال 2007 وپلمپ کردن آن ودستگیری سيد حسن حماي و طلبه های حوزة مهدويه، بدون هيچ دليل قانونی، ولی بعداز مدتی آن ها را آزادکردند وساختمان(مكتب وحوزه) را در اختيار آن ها قرار ندادند، ساختمان حوزة را برنگرداندند، ساختمان حوزة ومكتب، بلکه بدون دليل قانونی برآن مُستولی شدند(و دست گذاشتند) وآن را تحويل ندادند، تااینکه عقداجاره(آن ساختمان) به پایان رسید.

وهذه ليست الحادثة الوحيدة، بل تكررت وبنفس الطريقة التعسفية : إغلاق المكتب واعتقال السيد الحماي وطلبة الحوزة دون وجه حق ! إلى أن حدث ما حدث عام 2008.

ولهذا أنا أدعوهم للإفراج عن أنصار الإمام المهدي المسجونين .. هؤلاء أناس مظلومون .. مظلومين فأفرجوا عنهم!

ليس لدي شيء آخر .. لكم المايك

این تنها حادثه نبود، بلکه به همان شیوه تاسف بار، تکرار شد، بستن مكتب ودستگیری سيد حماي و طلبه های حوزة بدون (هیچ)دليل حتی، تااینکه اتفاقات سال 2008 به وجودمی آید. به همین خاطر من از آن ها می خواهم که در کار انصار امام مهدی که در زندان هستند، گشایشی نمایند، این افرادی، مردمی ستمدیده هستند، ستمدیده هستند، درکارشان گشایشی نمایید(وآن ها را آزاد کنید) مطلب دیگری ندارم...مایک برای شما.

الأستاذ علي العاملي :

اللهم صل على محمد وآل محمد الاثمة والمهدين. مولای ما، یمانی آل محمد به شما و مهمانانتان خوش آمد، می گوئیم. سوالی در مورد "سرایا القائم" وجود دارد، که آن را چند وقت پیش تشکیل دادید، و سوال از دو بخش تشکیل شده است:

1: می بینیم که از آغاز دعوت تا (زمان) تشکیل "سرایا القائم" به آن حمله می کنند و در آن و مسئولین و اهداف آن تشکیک می کنند، باین که می دانیم، همه عراقی ها و غیرعراقی ها در جنگ با داعشی های کافر، مشترک هستند، سوال این است: آیا حمله به "سرایا القائم" نتیجه اشتباه برداشت است یا مطلب از این بزرگ تر است؟
2: ما 10 ها هزار نفر از نیروهای بسیج مردمی را می بینیم که با داعش مقابله می کنند، ولی با این حال نتوانستند به کار آن ها پایان دهند، سوال طبیعی و منطقی این است: فرقی که "سرایا القائم" با افراد اندک، در مسیر این حرکت، به وجود آورده است چیست؟
مولای من بفرماید.

الإمام أحمد الحسن (ع) :

يا الله. إن شاء الله يكون هناك صوت. الصوت واضح؟.. الحمد لله

نعم بالنسبة لسرایا القائم، أعلنت بوضوح سبب تشکیکها على صفحة الفيسبوك. سبب تشکیکها هو الدفاع عن المقدسات والبلد والأعراض.

بله در مورد "سرایا القائم" دلیل تشکیل آن را در صفحه فیس بوک آشکار نمودم، دلیل تشکیل آن، دفاع از مقدسات و شهر و آبروها می باشد.

أما التهم على سرايا القائم، فرغم أنه لا يقدم ولا يؤخر بالنسبة لي على الأقل، يعني بالنسبة لي على الأقل لا يقدم ولا يؤخر تهجم أي كان! ولكنني إلى اليوم شخصيا لم أجد شخصا له قيمة ووزن اجتماعي أو سياسي أو عسكري أو حتى ديني تهجم على تشكيل سرايا القائم علنا. بل على العكس، من خلال الأخبار التي تصلني من المكاتب والمؤمنين، يوجد هناك ترحيب ودرجة لا بأس بها بتشكيل سرايا القائم من عدة جهات وقيادات عسكرية ومن حكومات محلية ومحافظين في أكثر من محافظة في العراق ومن بعض قيادات في الحشد الشعبي.

اما حمله (هایی) که بر "سرایا القائم" است، حداقل نسبت به خود من، چیزی را کم یا زیاد نمی کند، یعنی حداقل نسبت به خود بنده، این حمله ها - هرچه که باشد - چیزی را کم یا زیاد نمی کند، ولی بنده - به شخصه - تا امروز فردی را پیدا نکردم که ارزش و جایگاه اجتماعی یا سیاسی یا لشکری یا حتی دینی داشته باشد و به صورت آشکار بر

"سرایا القائم" حمله نماید، بلکه برعکس، از خلال خبرهایی که از مکتب ومومنین به من می رسد، از سوی افراد مختلف و فرماندهان لشکری و از حکومت های محلی و استان داران زیادی در استان های عراق واز بعضی از فرماندهان در نیروهای بسیج عمومی ، نسبت به تشکیل "سرایا القائم" به اندازه زیادی، لطف داشتند.

وقد طلبت شخصيا من المكتب الرسمي التواصل مع الشخصيات السياسية والعسكرية في العراق وتعريفهم بالهدف من تشكيل سرايا القائم .. ولو أن ظروف الشخصية تسمح لي تواصلت معهم .. وقد قمنا بهذا التواصل حتى لا نعطي لبعض المرضى أي فرصة حتى وان كانت ضئيلة للتشويش. فهناك خطر يتهددنا جميعا .. السني والشيعة والمسيحي.. هناك خطر يتهدد كل من يشايح أهل البيت بغض النظر عن توجهه ومعتقده .. ويتهدد مرآقد أئمتنا ويتهدد أعراضنا .. وأرض العراق العزيرة المباركة المطهرة بمراقد الأئمة عليهم السلام والأنياء .. وهذا الخطر وصل إلى حدود بغداد موسى بن جعفر وكرلاء الحسين ونجف علي بن أبي طالب عليهم السلام ، ولهذا نحن اضطررنا للتحرك وتشكيل سرايا القائم، وليغضب من يغضب !

وبه شخصه از مکتب رسمی(نجف) خواستم که با شخصیت های سیاسی و لشکری عراق دیدار کنند و هدف از تشکیل "سرایا القائم" را برای آن ها روشن کنند، و اگر شرایط من اجازه می داد، با آن ها(به شخصه) دیدار می کردم...واین دیدار را انجام می دهیم تا برای بعضی از افراد بیمار، فرصتی -حتی اندک- برای تشویش باقی نماند، خطری وجود دارد که همه ما را تهدید می کند...سنی وشیعه و مسیحی.... خطری که افرادی که شیعه اهل بیت هستند را تهدید می کند، بدون در نظر گرفتن فکر و اعتقاد آن فرد... و مرقد های امامان ما را تهدید می کند و آبروی ما را تهدید می کند... سرزمین عراق عزیز و مبارک و پاک شده به واسطه مرقد های امامان ع و پیامبران.... و این خطر به اطراف بغداد موسی بن جعفر و کربلای حسین و نجف علی بن ابی طالب ع رسیده است، به همین خاطر ما مجبور به حرکت شدیم و "سرایا القائم" را تشکیل دادیم، هر فردی می خواهد غضب ناک شود، غضب ناک شود.

وعموما أعتقد أن من غضبوا وتهمجوا على سرايا القائم هم شواذ قليلون وتهمجهم ليس له قيمة ولا يهتم له أحد، وأي عاقل يفهم بوضوح أيضا أن هؤلاء يخدمون أهداف داعش سواء عن علم ومعرفة أم بسفاهة وجمل وضعف ادراك ووعي لما يجري ويحدث في الساحة !

به صورت عمومی، افرادی که خشمگین می شوند و به "سرایا القائم" حمله می کنند، بسیار اندک هستند و حمله آن ها، ارزشی ندارد، و برای احدی مهم نیست، و همچنین هرعاقلی به روشنی می فهمد که این افراد به اهداف داعش کمک می کنند، چه از روی آگاهی و شناخت یا با سفاهت و نادانی و درک نکردن و نفهمیدن حوادثی که در عالم در حال اتفاق است.

أما الأُحبة في سرايا القائم أتوجه لكم : أما الأُحبة في سرايا القائم، من سلم من التهجيم حتى تريدون أن تسلموا من التهجيم ؟ الله سبحانه وتعالى لم يسلم ! وتجدون ملحدين يتهمون عليه ويستهزئون به ! تريدون أن نسلم نحن وأتم من تهجم بعض السفهاء الذين يخدمون داعش؟ أظن أن هذا ثمنا لا بد أن ندفعه دائماً وفي كل خطوة نخطوها لنرتقي عند الله سبحانه وتعالى.

ای دوستان در "سرایا القائم" خطابم به شماست: ای دوستان در "سرایا القائم" چه کسی از حمله در آمان مانده است، تا شما بخواهید از حمله در آمان باشید؟ خدای سبحان و متعال در آمان نمانده است، و ملحدینی وجود دارد که به او حمله می کنند و او را مسخره می کنند، می خواهید که ما و شما از حمله بعضی از سفیهانی که به داعش کمک می کنند، در آمان باشیم؟ فکرکنم این بهایی است که در هر قدمی که می پیاییم، همیشه باید آن را پردازیم، تا نزد خدای سبحان و متعال بالا برویم.

وأنا أحب أن يطمئن أي شخص مخالف لنا أن منهجنا هو منهج خلفاء الله، منهج محمد صلى الله عليه وآله، منهج علي .. فمحمد لم يحتل المدينة المنورة بالقوة العسكرية وإنما دعا الناس إلى حاكمية الله ولما قبله أهل المدينة انتقل إلى المدينة .. وكذلك علي عليه السلام، نصبه رسول الله صلى الله عليه وآله، ولما وجد أنه وحيد مع قلة من أنصاره اعتزل في بيته حتى رجع الناس له وقبلوا تنصيبه فقام بالأمر ..

بنده دوست دارم که هرفردی که مخالف ماست مطمئن باشد که روش ما، روش خلفای الهی است، روش محمد ص، روش علی ع... محمد، مدینه منوره را با نیروهای نظامی فتح نکرد، ایشان، مردم را به حاکمیت خدا دعوت نمود، وقتی مردم مدینه او را قبول نمودند، به مدینه منتقل شد.... همچنین علی ع، رسول الله ص او را تنصیب نمود، ولی وقتی دید که تنهاست و یارانش اندک هستند، در خانه اش ماند تا اینکه مردم به سوی او بازگشتند و تنصیب او را قبول کردند و ایشان امر (وحکومت) را برعهده گرفت...

فنحن كذلك .. لا يتصور أحد أننا نريد تشكيل قوة عسكرية لإجبار الناس بالقوة على قبول أحمد الحسن ! أبدا هذا ليس منهجنا وليس طريقنا. وطريقنا معن منذ أول الدعوة وقد قلت مرارا وتكرارا أن الله ينصب خليفته في أرضه والخليفة يقدم أدلته على تنصيبه، وعلى الناس أن تقبل تنصيبه. فان رفضوا التنصيب الإلهي فقد ضيعوا حظهم وآخرتهم. أما خليفة الله فلا يضره شيء، يجلس في بيته كما جلس علي، خمسة وعشرين سنة !

ما نیز این چنین هستیم، فردی فکر نکند که ما نیروهای نظامی تشکیل دادیم تا مردم را مجبور به قبول کردن احمدالحسن کنیم، اصلاً، این روش ما نیست، وراه ما نیست، وراه ما از همان روز اول دعوت آشکار بود، و بارها گفتیم و تکرار نمودم که خداوند، خلیفه اش را در زمین قرار می دهد و خلیفه نیز دلایل خود بر تنصیبش را (به مردم) عرضه می کند و بر مردم واجب است که تنصیب او را قبول کنند، اگر تنصیب الهی را قبول نکنند، بهره

وآخرت خود را ازین بردند، اما به خلیفه خداوند ضرری نمی رسد، او در خانه خود می نشیند، همان گونه که علی (درخانه اش) نشست، 25 سال.

هذا ما لدي بهذا الخصوص .. أما سؤالك عن تأثيرنا وأيضاً ما فعله الحشد الشعبي..

این نظر بنده در این مورد بود... اما سوالی که در مورد تاثیر ما و همچنین کاری که نیروهای بسیج مردمی انجام دادند، پرسیدی...

أعتقد بالنسبة للحشد الشعبي والجيش العراقي، هم قدموا التضحيات والدماء لحفظ المقدسات والبلد والأعراض وهذا أمر يشكرون عليه بغض النظر عن تشكيك بعض الجهات بالنوايا أو حتى تشكيك بعضهم ببعض يعني - نسمع بعض الكلام بهذا الخصوص - وأيضاً بغض النظر عن كونهم حققوا النصر أم لا ! وأرجو منكم أن تتذكروا دائماً أن في الجيش العراقي اليوم الكثير من اخوتكم الأنصار المؤمنين الأطهار وقد استشهد بعضهم رحمهم الله برحمته الواسعة في معركة الدفاع عن أرض العراق المقدسة.

در مورد نیروهای بسیج مردمی و لشکر عراقی معتقدم که آن ها جان و خون خود را برای حفظ مقدسات و شهر و آبرو دادند، این مطلبی است که قابل تشکر است، بدون در نظر گرفتن تشکیک بعضی از افراد، نسبت به نیت ها (واهداف) یا حتی تشکیک بعضی از آن ها نسبت به بعضی های دیگر... بعضی از سخنان را در این مورد می شنویم، همچنین بدون در نظر گرفتن اینکه آن ها پیروز شدند یا نه، از شما می خواهم که همیشه به یاد داشته باشید که در سربازان (لشکر) عراقی در این زمان، بسیاری از برادران انصار مومن و پاک شها هستند، و بعضی از آن ها، در میدان دفاع از سرزمین عراق مقدس به شهادت رسیدند، خدا آن ها را با رحمت و وسیعش مورد آمرزش قرار دهد.

أما ما الذي يمكن أن تقدمه سرايا القائم، فأعتقد الكثير جدا يمكن أن تقدمه سرايا القائم :

اما در مورد کاری که "سرایا القائم" می تواند انجام دهد، فکر کنم "سرایا القائم" بتواند کارهای زیادی انجام دهد:

أولاً لدينا الآن آلاف المتطوعين في العراق، يعني في داخل العراق، وكذلك في خارج العراق، منهم ضباط وخريجي كلية الأركان وعدة آلاف اعتقد يحدثون أثراً في ساحة المعركة حتى بالمقاييس المادية البحتة.

اولاً: الان هزاران داوطلب در عراق وجود دارد، یعنی در داخل عراق، همچنین در خارج عراق، عده ای از آن ها: نظامیان و فارغ التحصیلان دانشکده آفسری هستند، هزاران نفر که در میدان (جنگ) تاثیر (زیادی) می گذارند، حتی به نسبت مقیاس های مادی صرف.

ثانياً نحن لدينا مقياس آخر، وهو المقياس الإلهي، فنحن نعتقد أن الله معنا وناصرنا على أعدائنا.

ثانياً: ما مقياس دیگری هم داریم، مقياس الهی، ما معتقدیم که خداوند با ماست و ما را در برابر دشمنانمان یاری می دهد.

ولهذا فوجود سرايا القائم في مواجهة داعش والظلام الوهابي السلفي التكفيري في ساحة المعركة اليوم سيحدث فرقا كبيرا وملموسا على ساحة المعركة عموماً إن شاء الله. ورحمة الله واسعة إن شاء الله.

ان شاء الله، "سرایا القائم" درمواجهه با داعش و ستم وهابی سلفی تکفیری - در میدان جنگ امروز- به صورت عمومی، تفاوت بزرگ و قابل لمس در میدان جنگ به وجود می آورد. ورحمت خداوند وسیع است، ان شاء الله.

ليس لدي شيء آخر. لكم المايك. مطلب دیگری ندارم، ما یک برای شما.

الأستاذ علي العالمي :

اللهم صل على محمد وآل محمد الاثمة والمهدين. يمانى آل محمد، مولای ما، بین مهبانت خوش آمدی، مولای ما با دیدارِ شما خوشحال شدیم، مولای من، ما انصار شما وخادمین(شما) هستیم، همان گونه که یهود به موسی ع گفت: "تو و خدایت بروید و بجنگید" ما(این جمله را) نمی گوئیم، آقای ما، آقای ما، ما در هر مسئله ای آماده هستیم، منتظر اشاره شما هستیم، اگر از ما بخواهید(آب) دریاها را بنوشیم می نوشیم، اگر از ما بخواهید که کوه ها را بر دوشمان حمل کنیم، آن کار را می کنیم... آقای ما، شاهستی که به ما دستور می دهی، مولای من احمدالحسن ع.

در سرتاسر جهان، افرادی وجود دارد که دوست دار محمد وآل محمد ص هستند، سخن کریمانه شما برای آن ها و برای هر مسلمانی، در سایه این فتنه ای که وارد هر خانه ای از خانه اسلام شده است، چیست؟ و صورت اسلام را به گونه ای نشان می دهند که در نگاه دیگران، اسلام، دین خون ریز و اِرهابی است، آقای ما بفرمایید، مایک برای شما.

الإمام أحمد الحسن (ع) :

يا الله. الصوت واضح لكم إن شاء الله ؟ يا الله

هناك أمر مهم استجد على الساحة الإنسانية عموماً في السنوات الأخيرة وهو ثورة المعلومات وسهولة الحصول عليها كذلك توفر طرق ميسرة للتواصل الاجتماعي بين بني البشر.

ياالله، ان شاء الله صدا برای شما واضح است؟ يا الله

مسئله مهمی وجود دارد که در سال های اخیر -به صورت عمومی- در اجتماعات انسانی به وجود آمده است، و آن مسئله انقلاب معلومات(ودانستی ها) و آسانی دست یافتن، به معلومات است، همچنین راه آسانی برای ارتباط اجتماعی -بین انسان ها- به وجود آمده است،

وهذه الطرق فتحت باباً لكل إنسان أن يطلع على الحقائق كما هي متى ما أراد وقرر فعلاً أن يطلع، طبعاً دون وصاية أحد غير المنطق والتفكير السليم على عقله وطريقة تفكيره وإلا مجرد الإطلاع يعني وإذا يطلع وهناك وصاية على تفكيره وعلى عقله، هو يعني جعل آخرين أوصياء على تفكيره وعلى عقله لا فائدة من اطلاعه. لا بد أن يكون، يطلع بدون وصاية. أقول وبالتالي فأنا أدعو كل إنسان وخصوصاً الموالين لآل محمد صلوات الله عليهم للإطلاع على أدلة الدعوة المهدوية مهدوء ودون الخضوع لوصاية أحد. فرجائي لهم أن لا يتركوا أحداً آخر ليقدر لهم أمر آخرتهم لأنه مثل ما نقول بالعراق (محمد راح ينام بقبرك غيرك) فهد لنفسك آخرة مرضية عند الله سبحانه وتعالى.

این راه ها دربی برای هراسانی باز نموده است تا نسبت به حقیقت ها - همان گونه که است - آگاهی کسب کند، و هر زمانی که می خواهد نسبت به آن، آگاهی کسب کند، طبعاً (این کسب آگاهی) باید بدون در نظر گرفتن نظرات دیگران و تاثیر دیگران به عقل و راه تفکرش باشد، و باید بامنطق و تفکر سالم باشد، والا اگر این گونه نباشد و نظرات دیگران به تفکر و عقلش تاثیر بگذارد، یعنی دیگران را مؤثر بر تفکر و عقلش بدانند، فایده ای از کسب آگاهی او نیست، (این شخص) باید بدون در نظر گرفتن نظر (دیگران) آگاهی کسب کند، در نتیجه می گویم: بنده هر انسانی - مخصوصاً دوست داران آل محمد ص - را به مطلع شدن از دلایل دعوت مهدویت دعوت می کنم، (اطلاع کسب نمودنی که) با آرامش و بدون دخیل شدن نظرات دیگران است، امیدوارم که آن ها، برای دیگران، راهی باز نگذارند تا آخرتشان را مشخص کنند، چون این مسئله مانند ضرب المثل عراقی است: "زمینه را آماده کن تا فرد دیگری در قبرت بخوابد" برای خودت، آخرتی که خداوند - سبحان و متعال - از آن خشنود است را آماده کن.

أيضا تجنبوا ما يسمي تأثير المجموعة، يعني عندما تريد أن تسمع من الآخرين تجنب تأثير المجموعة.

همچنین از تاثیر، پذیرفتن از جامعه دوری کنید، یعنی وقتی می خواهید از دیگران، سخنی بشنوید از تاثیر پذیرفتن از جامعه دوری کنید.

وكونوا أحراراً في قراراتكم .. فمتى ما وجدت الطريق الصحيح توكل على الله ولا تسيء اذا أساء الناس وتقول حشر مع الناس عيد كما يقولون !

در انتخاب های خودتان، آزاده باشید... وقتی راه صحیح را پیدانمودی، به خداوند توکل کن و وقتی مردم به تو بدی نمودند، به آن ها بدی نکن، همان طور که می گویند: "خواهی نشوی رسوا، هم رنگ جماعت شو"

نحن دعونا الموالين لآل محمد عليهم السلام وندعوهم اليوم لنصرة هذه الدعوة المهدوية الإلهية الحقة، ليدفع الله بها عنهم وعن الاسلام شر هؤلاء المفسدين، داعش وغيرهم من الحركات الوهابية السفينانية التكفيرية. وأيضا حتى نتمكن من ايصال صورة الاسلام الحقيقي والصحيح، الصورة النقية، لكل دول العالم ولكل شعوب العالم في الشرق والغرب إن شاء الله.

ما دوست داران آل محمد ع را به یاری این دعوت مهدویه الهی حق، دعوت می کنیم، تا خداوند به واسطه آن، از آن ها و اسلام، شرّ این مفسدین را دور کند، داعش و غیر آن ها، حرکت های وهابی سفینانی تکفیری، تا بتوانیم صورت (و شکل) اسلام حقیقی و درست را به تمام دولت های عالم و مردم جهان در شرق و غرب برسانیم، صورت پاک، ان شاء الله.

ليس لدي شيء آخر جزآم الله خيرا. لكم المايك مطلب دیگری ندارم، خدا به شما پاداش خوبی دهد، مایک برای شما.

د. علاء السالم :

بسم الله الرحمن الرحيم مجدداً سلام عليكم ورحمة الله وبركاته، آقای ما، از شما متشکریم، حقیقتاً در این شب مبارک شمارا خسته نمودیم، ولی این هدیه ای الهی است که خداوند تبارک و تعالی به همه ما عطا نموده است، در حقیقت (تقریباً) نزدیک 50 دقیقه از وقت گذشته است و واقعاً به سرعت گذشته است، واز خداوند سبحان و متعال می خواهیم که این دیدارها -به بخشش یمان آل محمد ص- تکرار شود.

إلکم ذوی آل النبی تطلعت نوازعُ من قلبی ظمَاءً وَالنَّبُ

یشیرون بالأیدی إلیّ وقولهمُ ألا خاب هذا والمُشیرون أخیبُ

فطائفة قد أکفرتنی بجمکم وطائفة قالوا مُسیءٌ ومُذنبُ

فما ساءنی تکفیر هاتیک منهم ولا عیب هاتیک التي هي أعیبُ

یعیبوتنی من خبثهم وضلالهم علی جمکم بل یسخرون وأعجبُ

وقالوا ترايُّ هواه ورأیه بذلك أدعی فیهمُ وألقتُ

شنوندگان عزیز، فقط 2سوال از سید احمد الحسن ع باقی مانده است.

آقای ما سوال یکی مانده به آخر این است: نامه (و دعوت) شما نامه ای جهانی است، همان گونه که آن را مطرح نمودید و در خلال سال های متعددی آن را بیان نمودید، آیا خطابی از سوی شما وجود دارد که دوست دارید نسبت به مسیحی ها و یهود (یان) بیان کنید، افرادی که گمان دارند که منتظر مُنقذ و مُخلّص موعود در آخر الزمان هستند؟

آقای ما بفرمایید، مایک برای شما.

الإمام أحمد الحسن (ع) :

یا الله. حیاکم الله د.علاء وأبدا لم تتعبونی إن شاء الله وبخدمتکم فی أي وقت.

یا الله، د.علاء خوش آمدی، اصلاً مرا خسته نکردید، ان شاء الله در هر زمانی که بخواهید در خدمت شما هستم.

بالحقيقة لقد كتبت وقدمت الكثير لهم وبالخصوص المسيحيين وبإمكانهم الاطلاع على ما كتبت فيما مضى، في كتاب التوحيد أو اجوبة بعض الأسئلة التي نشرت في كتاب الحوار الثالث عشر ورسالة الهداية وغيرها وأخيراً كتبت وناقشت أموراً تخصهم في كتاب وهم الالحاد. فأنا أدعوهم للقراءة والإطلاع ومعرفة المعزي الذي طلب منهم عيسى أو يسوع الايمان به وقبول الحق الذي يأتي به.

در حقيقت، کتاب های زیادی برای آن ها نوشتم، مخصوصاً مسیحیان، آن ها می توانند از کتاب هایی که قبلاً نوشتم، مطلع شوند، در کتاب توحید یا پاسخ هایی که در کتاب حواری 13 و نامه هدایت و... نوشتم، اخیراً (نیز) کتابی نوشتم و در آن مسائلی که مربوط به آن هاست را مورد مناقشه قرار دادم، در کتاب وهم الالحاد. من آن ها را به مطالعه و آگاهی و شناخت نسبت به معزی دعوت می کنم، فردی که عیسی یا یسوع از آن ها خواست تا به او ایمان بیاورند و حقی که می آورد را قبول کنند.

هم لدمهم فرقة شهود مھوه.. طبعاً كثير من المسيحيين لا يعتبرونهم مسيحيين لأنهم ينتظرون المعزي في آخر الزمان! على كل حال، أعتقد هذه الفرقة يجب الاهتمام بهم وتبليغهم أكثر.. أرجو من الأنصار أن يقوموا بهذا.

آن ها فرقه ای به نام شاهدان مھوه دارند... طبعاً بسیاری از مسیحی ها، آن ها را مسیحی نمی دانند، چون آن ها منتظر معزی آخرالزمان هستند، در هر حال، فکر کنم اهتمام به این فرقه و بیشتر، تبلیغ نمودن آن ها واجب (و مهم) است... امیدوارم انصار، این کار را انجام دهند.

أيضا لدي نصيحة للسنة، أن يطلعوا على ما كتبت، ليس فقط .. لا تتوقف عند المسيحيين ومادام أنت طلبت د. علاء نصيحة فنوسعها. بالنسبة للسنة أرجو منهم أن يطلعوا على ما كتبت بخصوص خلافة الله في أرضه وأن يبحثوا في أدلة الدعوة المباركة. فالمفروض أنهم يؤمنون بالمهدي الذي يولد في آخر الزمان، وهذه هي دعوة مهدي أمة محمد صلوات الله عليه وآله. فليبحثوا وليدققوا فيها بتجرد عن التعصب والهوى.

همچنین نصیحتی به (اهل) سنت دارم، اینکه از کتاب هایی که نوشتم آگاه شوند، این گونه نباشد که فقط نزد مسیحی ها توقف کنیم، د.علاء شما نصیحتی درخواست نمودی و ما آن را بیشتر توضیح دادیم (و آن را وسعت دادیم) به نسبت (اهل) سنت، امیدوارم که آن ها از نوشته های من در مورد خلافت خداوند در زمین، آگاهی کسب کنند و دلایل مبارک دعوت، جست و جو (و تحقیق) کنند، آن ها به مهدی که در آخرالزمان متولد می شود، ایمان دارند، این دعوت مهدی امت محمد ص است، در آن -بدون تعصب و هوی- تحقیق و دقت کنید.

أيضاً الوهابيون والسلفيون لدي لهم نصيحة وهي أن العقائد التي يطرحها الدين الوهابي لا علاقة لها بالإسلام. لأن الدين الوهابي قائم على عبادة هبل سماوي وصنم سماوي. أي أن الدين الوهابي مفترق عن الإسلام في الخطوة الأولى وهي أن الإله الذي يعبد وصفاته مفترقين، يعني هم لديهم إله ونحن لدينا إله !

همچنین برای وهابی ها و سلفی ها، نصیحتی دارم، عقایدی که دین وهابی، آن را مطرح می کند، با اسلام ارتباطی ندارد، چون دین وهابی استوار بر پرستش هبل آسمانی و بتی آسمانی است؛ یعنی دین وهابی در قدم اول، از اسلام، دور است، خدایی که پرستش می شود و ویژگی های او جدا هستند، یعنی نزد آن ها خدایی است و نزد ما خدایی است.

فعلماؤ الدين الوهابي يصفون إلههم بأن لديه يدين اثنين على الحقيقة وفي كل يد خمس أصابع حقيقية، ولديه عينين اثنين فقط على الحقيقة، وهكذا في بقية الصفات حتى يصفون لك صنما مجسما بكل معنى الكلمة ويقولون أنه موجود في السماء. وهذا ليس من الإسلام في شيء ومن أراد فليراجع كلمات علماءهم وقد نقلت بعضها في كتاب التوحيد. ولهذا أَدْعُو عوامهم والمخدوعين بهذا الدين إلى التوبة والرجوع إلى الاعتراف بإله الإسلام المنزه عن الصنمية وهذا التجسيم القبيح الذي لا يليق به سبحانه ولا يصح بحال.

علماء دین وهابی، خدای خود را این گونه توصیف می کنند که در حقیقت، 2 دست دارد، و در هر دست، 5 انگشت حقیقی دارد، و فقط 2 چشم حقیقی دارد، همچنین در بقیه ویژگی ها، تا اینکه بتی جسمانی - باتمام معنای کلمه (جسمانی)- برای تو توصیف می کنند، و می گویند: او در آسمان وجود دارد، و این اصلاً اسلام نیست، هر فردی می خواهد، به سخنان علمای آن ها مراجعه نماید، و بعضی از آن ها را در کتاب توحید نقل نمودم، به همین خاطر، عوام آن ها و افرادی که به واسطه این دین فریب خوردند، به توبه و بازگشت به اعتراف به خدا دعوت می کنم، (خدای) منزه از بت بودن و این جسم قرار دادن ناپسند که شایسته او نیست، سبحانه، و اصلاً درست نیست.

أيضاً أَدْعُو السنة والشيعة وخصوصاً علماءهم للإطلاع على ما طرحت في الأمور العقائدية، كالبحث الأخير في آية أكمال الدين، فلا يسع الإنسان العاقل أن يغمض عينيه إذا ما تم نسف عقيدته علمياً وبصورة محكمة!

همچنین، (اهل) سنت و شیعه - مخصوصاً علمای آن ها- را به مطلع شدن از مسائل عقایدی که بنده مطرح نمودم، دعوت می کنم، مانند بحث اخیر، در مورد آیه اکمال الدین، (دیگر) جای این نمی ماند که انسان عاقل، چشمانش را ببندد، وقتی ببیند که عقیده اش به صورت علمی و به شکلی محکم، از بین رفته است.

جزاكم الله خيرا د.علاء والحبيب علي العالمي. ليس لدي شيء آخر أقوله بهذا الخصوص. لكم المايك.

د.علاء و دوست (عزیز) علی عاملی، خدابه شما پاداش خوبی دهد. مطلب دیگری در این مورد، ندارم که بگویم. مایک برای شما.

الأستاذ علي العاملي :

اللهم صل على محمد وآل محمد الائمة والمهديين. مولاي ما، يمانى آل محمد ع خوش آمدى، مولاي من، كلام شما روح را تازه مى كند، خداشمارا در مقابل دشمنانتان يارى دهد، مولاي من، آرزومنديم كه اين برنامه به اتمام نرسد، چون ما به وجود شما، به همراه ما، خوشبختيم، ولي ناچاراً درآخر بايد به پايان برسد، وان شاء الله آخرين ديدار نباشد.

مولای من سوال آخر، نصیحتِ عمومی شما چیست، مخصوصاً افرادی که به "سرایا القائم" ملحق شدند و (برای شرکت درآن) داوطلب شدند؟

مولای ما بفرمایید، مایک برای شما.

الإمام أحمد الحسن (ع) :

يا الله. أولاً أوجه نصيحة لعموم الأنصار. عموماً المؤمنون حفظهم الله نساء ورجالاً لم يقصروا في العمل ليلاً ونهاراً بدعوة الناس إلى الحق ودفع الشبهات ووسائل عديدة جزاهم الله خيراً. هم جزاهم الله خيراً يعملون بجهد واجتهاد وأسأل الله أن يرزقهم خير الآخرة والدنيا على ما يبذلون من جهد وما يتحملون من عناء.

ياالله. اولاً: نصیحتی خطاب به عموم انصاردارم، به صورت عمومی مومنین -خداآن ها را حفظ کند- چه زن وچه مرد، برای کاردر شب وروز و برای دعوت مردم به حق و رفع شبهات -به واسطه وسایل مختلف- کوتاهی نکردند، خدا به آن ها پاداش خوبی دهد. آن ها -خدا به آن ها پاداش خوبی دهد- باتلاش وکوشش، کاری کنند، واز خداوند می خواهم که خوبی آخرت و دنیا را روزی آن ها نماید، به خاطر تلاشی که انجام می دهند، و سختی ای که تحمل می کنند.

وَأدعو المقصرين والمقصرات وأنصحهم أن يلتحقوا بركب اخوتهم وأخواتهم وأن لا يقصروا، يعني الجهاد بالمال والنفس والتعلم وإيصال الحق للناس.. فهي فرصة للموقنين.. والفرص تمر مر السحاب، فاغتموها !

ومردان وزناني كه کوتاهی نمودند را دعوت می کنم وآن ها را نصیحت می کنم كه به جمع برادران وخواهرانشان ملحق شوند، و کوتاهی نکنند، یعنی جهاد با مال و نفس و یادگیری و رساندن حق به مردم، این(زمان) فرصتی برای افراد بایقین است، و فرصت ها مانند گذشتن ابرها می گذرد، از فرصت ها استفاده کنید.

أما الأحبة في سرايا القائم بالخصوص، فإن شاء الله تشكيكم هو نواة للخير وطريق لكم أمها المؤمنون لتنالوا الخير كله، الجهاد تحت راية خليفة الله في أرضه. والله أنه لا يلقاها إلا الذين صبروا ولا يلقاها ويثبت عليها إلا ذو حظ عظيم. وأسأل الله أن تكونوا أتم من أهلها.

اما دوستانی که بالخصوص در "سرایا القائم" هستند، ای مومنین، ان شاء الله تشکیل شدن شما، باعث خیر می شود و اینکه راهی می شود تا تمام خیر را (به دیگران) برسانید، جهاد زیر پرچم خلیفه خدا در زمین، و خداوند این را به افرادی که صبر می کنند، می دهد، و فردی که صاحب مکره بزرگی است، به آن می رسد و برآن ثابت قدم می ماند، و از خداوند می خواهم که شما نیز از اهل آن باشید.

أما الأحبة في سرايا القائم .. قضيتكم اليوم وقاتلكم لهؤلاء الوهابيين التكفيريين المنحرفين المفسدين في الأرض هي قضية محقة بكل المقاييس الإنسانية والأخلاقية وليس فقط بالمقياس الديني ! ولهذا فقاتلكم لهؤلاء وقتلهم واجب أخلاقي أيضا لتخليص الأرض والإنسانية ككل من شرورهم. وأسأل الله أن يحفظكم من بين أيديكم ومن خلفكم ومن فوقكم ومن تحتكم ويحيطكم بحفظه، وأسأل الله أن ينصركم وينصر بكم، أسأل الله أن ينصركم نصرا عزيزا ويفتح على أيديكم فتحا يسيرا، هو وليي وهو يتولى الصالحين.

ای دوستان در "سرایا القائم" داستان شما در امروز و جنگیدن شما با این وهابی های تکفیری منحرف مفسد در زمین، داستانی حق است، با توجه به تمامی مقیاس های انسانی و اخلاقی، و نه فقط با مقیاس دینی، به همین خاطر، جنگ با این افراد و کشتن آن ها همچنین از جهت اخلاقی واجب است، برای پاک نمودن زمین و تمام انسانیت از شرهای آن ها، و از خداوند می خواهم که شما را از جلو و از پشت سرتان و از بالای سرتان و از زیر پایتان - حفظ کند، و در محافظت خود قرار دهد، و از خداوند می خواهم که شما را یاری دهد و به واسطه شما، پیروزی را به وجود بیاورد، از خداوند می خواهم که پیروزی عزت مندانه را به شما ارزانی دارد، و اینکه با داستان شما، فتی آسان به وجود بیاورد، او سرپرست من است و سرپرست شایستگان.

يا الله. أنا انتهيت من الاجابة وليس لدي شيء آخر أقوله الآن. إن شاء الله سأبقى في الغرفة لبضع دقائق أستمع لكم وأنا مضطر للمغادرة بعدها فأعتذر مقدما، سأخرج مضطرا دون سماع مداخلاتهم الكريمة.

یا الله، پاسخگویی بنده به پایان رسیده است، و الان مطلبی ندارم که بگویم، ان شاء الله به اندازه چند دقیقه در اتاق (پالتاک) می مانم تا سخنان شما را بشنوم و مجبورم بعد از چند دقیقه (از اتاق پالتاک) بیرون بروم، و جلوتر (از شما) معذرت خواهی می کنم، مجبورم بیرون بروم بدون این که نظرات کریمانه شما را بشنوم، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. لكم المايك أحبتي. دوستان من مایک برای شما.

الأستاذ علي العاملي:

اللهم صل على محمد وآل محمد الائمة والمهديين.مولای من متشكرم، آقاي من متشكرم، قائم آل محمد ع متشكرم، گروه ساختِ برنامه "حقیقت همان گونه که می باشد" از امام سید احمدالحسن ع به خاطر قبول دعوت، تشکر می کند، خدامارا برولايت شما ثابت قدم بدارد، از د.علاء سالم به خاطر تلاش ایشان، تشکر می کنیم، واز حاضرین انصار ومهمانان در مهمانی امام احمدالحسن ع تشکر می کنیم، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

متن عربی :

<http://vb.almahdyoon.org/showthread.php?t=33005>